

تعلیم و تربیت در دستگاه ایدئولوژیک داعش؛ نسل جدید اسلام‌گرایی رادیکال و تلاش برای آفرینش جامعه آرمانی

سید عبدالامیر نبوی ^{ID}*
دانشیار علوم سیاسی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران

نورن اعتصادالسلطنه ^{ID}
دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران

چکیده

رژیم‌ها و گروه‌های ایدئولوژیک در راستای رسیدن به جهان آرمانی و مدینه فاضله موعود همواره درصدد پرورش انسان‌هایی طراز نوین بوده‌اند و برای تحقق این امر در پی کنترل همه‌جانبه ابعاد گوناگون زندگی انسان‌ها برآمده‌اند. به نظر می‌رسد داعش نیز به عنوان یک سازمان سیاسی-نظامی تمامیت‌خواه از این امر مستثنی نبوده است. تجربه دوره هرچند کوتاه مدت خلافت نشان می‌دهد این گروه با قرائتی خاص از متون مقدس اسلامی به‌طور خاص به دنبال آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بوده است تا در نهایت انسان آرمانی و مدینه فاضله مدنظر خود را بیافریند. در این مقاله، ضمن تحلیل محتوای آثار درسی و تبلیغی، نظر آن گروه درباره علوم مختلف و روش‌های نظام تعلیم و تربیت برای رسیدن به هدفش پرداخته شده است و در این مسیر از مفهوم دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت (آلتوسر) بهره گرفته شد. از سوی دیگر با آگاهی از تلاش داعش برای بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای گوناگون در جهت کسب تعهد و وفاداری هواداران، این مقاله می‌کوشد تا مسیرهای محتمل اثرگذار و نفوذ داعش بر کودکان و نوجوانان را در مرحله ارتباط و تماس اولیه مورد بررسی قرار دهد که عبارتند از: حساسیت‌زدایی نسبت به خشونت، نمایش شیوه مثبت زمامداری، اعطای حس هویت جمعی، الگوی نقش مثبت فقدان و جایگزینی و افراد بزرگسال قابل اعتماد و اثرگذار.

واژگان کلیدی: دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت، جامعه آرمانی، تعلیم و تربیت، داعش، اسلام‌گرایی رادیکال.

مقدمه

در سال‌های گذشته، موج حملات تروریستی در نقاط مختلف جهان از سوی نیروهای سلفی - تکفیری موجب طرح بحث‌هایی درباره چگونگی مواجهه با این تهدید شده است، به خصوص گروه داعش که از همان ابتدا در پی حاکمیت سرزمینی بود و کوشید نظام سیاسی مورد نظر خود را به سرعت مستقر کند. واقعیت آن است که تلاش اسلام‌گرایان رادیکال برای کسب قدرت و انجام فعالیت‌های تروریستی در این زمینه، پیشینه‌ای طولانی دارد؛ اما ویژگی‌ها و نوآوری‌های گروه داعش در چهار حوزه انگیزه، استراتژی، سازماندهی و تکنیک (پورسعید، ۱۳۹۶: ۵۷-۱۵۶) سبب شد که در عمل نسل جدید جریان اسلام‌گرایی رادیکال متبلور شود و پیروزی‌های اولیه و چشمگیر آن، بررسی دیگربراره ریشه‌های عینی و ایدئولوژی هدایت‌کننده چنین جریانی را ضروری کند. در عین حال، تحلیلگران، بویژه علاقمند شدند چگونگی مدیریت و عملکرد نظام خلافت را ببینند و اینکه این نظم سیاسی و اداری در مواجهه با مسائل و مشکلات واقعی چه خواهد کرد؟

تجربیات تاریخی نشان می‌دهد رژیم‌ها و گروه‌های سیاسی ایدئولوژیک، تحقق مدینه فاضله - متشکل از حکومت و جامعه آرمانی - خود را همواره در گرو آفرینش انسان‌های طراز نوین دیده‌اند. رسیدن به چنین هدفی مستلزم بهره‌گیری از روش‌های گوناگون تعلیم و تربیت است. لنین درباره اهمیت این موضوع گفته بود: «تنها با تغییر شکل اساسی آموزش، سازماندهی و تربیت جوانان خواهیم توانست تضمین کنیم که نتایج تلاش‌های نسل جوان ایجاد جامعه‌ای متفاوت با جامعه قدیم؛ یعنی جامعه‌ای کمونیستی، باشد» (رک: راش، ۱۳۷۷: ۱۰۳). این جملات هیتلر نیز مشهور است که «ما تزریق روح اجتماع را از سنین بسیار پایین در جوانانمان وظیفه خود قرار داده‌ایم... رایش جدید جوانان خود را به هیچ کس نخواهد داد، بلکه خود به جوانان روی می‌آورد و آموزش و تربیت خود را به آنان القا می‌کند» (راش، ۱۳۷۷: ۱۰۳). صدام حسین عقیده مشابهی داشت و می‌گفت: «جوانان هنوز به اندیشه‌های ارتجاعی آلوده نشده‌اند، لذا حزب و دولت باید خانواده آنان، پدر و مادرشان باشد» (Karsh & Routsis, 1991: 176).

داعش به عنوان سازمانی سیاسی - نظامی که ادعای تاسیس یک وضعیت آرمانی را دارد، از این امر مستثنی نبوده است و از ابتدای قدرت‌گیری در بخش‌هایی از سوریه و عراق

بر روندی تمرکز کرد که تحت عنوان «جامعه‌پذیری» یا «اجتماعی‌شدن»^۱ می‌شناسیم. هدف از این روند، تربیت و پرورش افراد به صورتی است که اعضای کارآمد جامعه سیاسی باشند و به آن نظام اعتماد داشته باشند (عالم، ۱۳۸۸: ۱۱۹-۱۱۷). نتیجه نهایی نیز در صورت کامیابی، همسازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است و موجب پیوند خوردن نسل‌های مختلف به یکدیگر می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۴: ۶۷). عملکرد رهبران داعش در همین چارچوب نشان می‌دهد نگاه آنان فراتر از کنترل ارضی و قدرت سیاسی و در واقع تلاش برای مهندسی یک جامعه تازه بوده است (Berti & Osete, 2015: 49). به همین خاطر داعش پس از کسب موفقیت‌های اولیه در استفاده از روش‌های تعلیم و تربیت هرچند به صورت شتابزده و خام، تردید نکرد و به خصوص کودکان و نوجوانان را مخاطب قرار داد (Benotman & Malik, 2016).

با توجه به نکات یادشده، این مقاله می‌کوشد با گردآوری منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها به بررسی نظام تعلیم و تربیت، محتوای درسی و روش‌های گوناگون آن سازمان بپردازد و در این زمینه از مفهوم دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت (لوئی آلتوسر) استفاده شده است تا ساختار بندی و تقسیم کار نهادی در یک سازمان مذهبی رادیکال با تفصیل بررسی شود. یادآوری این نکته ضروری است درباره علل برآمدن و موفقیت‌های اولیه داعش، جایگاه آن در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، تفاوتش با سایر گروه‌های اسلام‌گرا و گمانه‌زنی درباره آینده آن تاکنون آثار تحلیلی و معتبر زیادی، از جمله به زبان فارسی منتشر شده است که نام بردن از آنها فهرست بلندی را تشکیل می‌دهد،^۲ ولی درباره دغدغه این مطالعه (استفاده از روش‌های تعلیم و تربیت برای آفرینش جامعه آرمانی) تاکنون بجز یک گزارش به صورت گذرا (Caris & Reynolds, 2014)، مطالعه خاصی صورت نگرفته است.

1. Socialization

۲. بررسی واژه «داعش» در پایگاه مجلات تخصصی نور گویای آن است که این واژه تاکنون در عنوان ۱۳۰ مقاله پژوهشی و ۱۵ مقاله ترویجی به زبان فارسی آمده است. همچنین آمار پایگاه اینترنتی خانه کتاب نشان می‌دهد تاکنون دست کم ۱۲۱ عنوان کتاب - تالیفی و ترجمه‌ای - درباره داعش منتشر شده است.

دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت

آلتوسر در نوشته مهم «ایدئولوژی و دستگاه‌های ایدئولوژی دولت»، بحث مفصلی درباره ایدئولوژی و رابطه آن با علم مطرح می‌کند (آلتوسر، ۱۳۸۷: ۸۰-۵۲). در این نوشته، ایدئولوژی به‌عنوان «ضد علم» یا «ضمیمه عینی ساخت» و یا «بازتاب انتزاعی شرایط مادی» مطرح نمی‌شود، بلکه «ایدئولوژی راهی است که مردم برای درک جهان‌شان برمی‌گزینند... مجموعه‌ای از گفتمان‌ها است که از طریق آنها تجربه‌ها را درک می‌کنیم» (فرتر، ۱۳۸۷: ۱۰۷). بنابراین، ایدئولوژی‌ها رابط بین تخیل افراد و شرایط واقعی هستی‌شان است که در آن زندگی می‌کنند. از این منظر، ایدئولوژی و دستگاه ایدئولوژیک افراد را به سوژه یا کارگزار فرضی خود تبدیل می‌کنند و ایدئولوژی طبقه حاکم، تنها به این علت که قدرت سیاسی در دست آن طبقه است، به ایدئولوژی حاکم تبدیل نمی‌شود، بلکه فرایندهای جامعه‌پذیری در درون دستگاه‌های ایدئولوژیک در این زمینه مهمترین عامل است. مهمترین پایه قدرت طبقه حاکم نیز نه دستگاه‌های اجبار بلکه همان دستگاه‌های ایدئولوژیک است (بشیریه، ۱۳۷۳: ۲۸).

به نظر آلتوسر، دستگاه دولت شامل دو مجموعه نهادی متمایز است: از یک سو شامل تمام آن چیزی است که نظریه مارکسیستی به‌عنوان «دستگاه دولت»^۱ می‌شناسد؛ یعنی نهادهای سرکوبگری که طبقه حاکم از طریق آنها قانون خود را اعمال می‌کند. وی این بخش را «دستگاه سرکوبگر دولت»^۲ می‌نامد که شامل حکومت، ارتش، پلیس، دادگاه‌ها، زندان‌ها و... است (آلتوسر، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۷). از سوی دیگر، دولت شامل مجموعه دیگری با عنوان «دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت»^۳ نیز می‌شود. این دستگاه‌ها، نهادهای به‌ظاهر متمایز زیر هستند:

- دستگاه ایدئولوژیک دینی (نظام کلیساهای گوناگون)؛
- دستگاه ایدئولوژیک آموزشی (نظام مدرسه‌های گوناگون خصوصی و دولتی)؛
- دستگاه ایدئولوژیک خانوادگی؛
- دستگاه ایدئولوژیک حقوقی؛
- دستگاه ایدئولوژیک سیاسی (نظام سیاسی، احزاب گوناگون)؛

1. State Apparatus
2. Repressive State Apparatus (RSA)
3. Ideological State Apparatus (ISA)

● دستگاه ایدئولوژیک سندیکایی؛

● دستگاه ایدئولوژیک خبری (رسانه‌ها، رادیو و تلویزیون)؛

● دستگاه ایدئولوژیک فرهنگی (ادبیات، هنر و ورزش) (آلتوسر، ۱۳۸۷: ۳۸-۳۷).

آلتوسر در این باره می‌نویسد: دستگاه سرکوبگر دولت «در درجه اول با تکیه بر سرکوب (از جمله سرکوب فیزیکی) کار می‌کند، در حالی که کارکرد ایدئولوژی در آن در درجه دوم است.» دستگاه ایدئولوژیک دولت نیز به نوبه خود در بسیاری از موارد از طریق ایدئولوژی عمل می‌کند، اما در سطوح بعدی به سرکوب متوسل می‌شود؛ سرکوبی که ملایم و یا حتی نمادین است (آلتوسر، ۱۳۸۷: ۳۹).

نظام آموزشی از نظر آلتوسر یکی از مهمترین سازمان‌های دولتی ایدئولوژیک در جوامع سرمایه‌داری مدرن است؛ در این جوامع، زوج مدرسه - خانواده جایگزین زوج مدرسه - کلیسا، به عنوان گروه مسلط نهادهای ایدئولوژیک شده است و هر فردی در سنین چهار تا شانزده سالگی، ساعت‌های زیادی آموزش می‌بیند. در جریان این آموزش، کودکان در مدارس با اینکه مهارت‌ها، میزان معینی از دانش فنی و رموز کار را که در لفافه ایدئولوژی حاکم پیچیده شده است، در برمی‌گیرند (زبان فرانسه، حساب، هندسه، تاریخ طبیعی، علوم و ادبیات) ایدئولوژی حاکم را در شکل محض آن (اخلاقیات، آموزش‌های مدنی، فلسفه، رویکرد خاصی از دین) نیز فرا می‌گیرند (مک دانل، ۱۳۸۰: ۹۲). این روند ادامه دارد تا اینکه بسیاری از افراد زیر پرچم ایدئولوژی به گونه‌ای تربیت شوند که برای ایفای نقش خود در جامعه طبقاتی مناسب باشند.

با توجه به موضوع مقاله و چنانچه به تلاش ایدئولوژی‌های تمامیت‌خواه در این زمینه توجه شود، شاید اشاره به برخی تجربیات قرن بیستم مناسب باشد؛ برای نمونه در کتاب‌های ریاضی آلمان نازی از مثال‌های «مناسب» استفاده می‌شد؛ مانند محاسبه مساحت و جمعیت مستعمراتی که آلمان در جنگ جهانی اول از دست داده بود یا ظرفیت و عملکرد هواپیماهای نظامی. در شوروی نیز از مثال‌های «مناسب» مشابهی استفاده می‌شد؛ مانند این پرسش که یک سوخوز (مزرعه دولتی) تعهد کرد ۳۳۵۰ تن پنبه به دولت بدهد، اما ۴۵۰۰ تن پنبه تحویل داد و سپس، ۱/۱۰ از این مقدار را به آن افزود. این سوخوز چند تن بیش از میزان تعهد خود پنبه تحویل داده است؟ (راش، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

می‌دانیم تعبیر دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت به جوامع سرمایه‌داری صنعتی و شیوه تولید و حکمرانی در این کشورها مربوط می‌شود؛ دستگاه سرکوبگر و دستگاه ایدئولوژیک در کنار یکدیگر کار می‌کنند تا نظم دولت را حفظ کنند. بنابراین ممکن است بهره‌گیری از این مفهوم درباره دیگر نظم‌ها و نظام‌های سیاسی و اداری مثل حکومت داعش محل تردید شود. به عبارت دیگر امکان دارد این اشکال مطرح شود که چارچوب نظری آلتوسر از دولت بورژوا و جامعه سرمایه‌داری سخن می‌گوید و این امر با واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی امروز عراق، سوریه و مناطق مجاور آنها سازگاری و سنجی ندارد.

با این حال، دو نکته موجب می‌شود کاربرد این مفهوم برای بررسی تجربه حکومت‌داری داعش مفید باشد. نخست آنکه دستگاه مفهومی آلتوسر از این قابلیت برخوردار است که برای بررسی سازوکارهای عموم حکومت‌ها و جوامع معاصر استفاده شود. توضیح آنکه اگرچه در بحث زیربنا و روبنا، آلتوسر اولویت را به اقتصاد می‌دهد، اما اشاره می‌کند شرایط تاریخی و اجتماعی متفاوت هر جامعه‌ای تعیین می‌کند کدام یک از مقوله‌های سیاست، ایدئولوژی و اقتصاد اولویت دارد. اگر در جوامع اروپایی اولویت با اثرگذاری سطح اقتصاد است، این اولویت می‌تواند در جوامع دیگر تغییر کند و سیاست یا ایدئولوژی باشد. دوم آنکه، داعش در دوره قدرت خود رفتارهایی را بروز داد و اداراتی را برای ساماندهی و مدیریت امور تشکیل داد که تنها از یک نظم سیاسی، نه یک گروه شبه‌نظامی یا تروریستی برمی‌آید و آمل و آرزوهایی داشته و دارد که معطوف به تشکیل دولتی مقتدر و دارای قدرت نفوذ و توزیع است. درست است که داعش وجوه فکری مشترکی با خوارج دارد (نساج، عبدی‌پور و جمشیدی‌مهر، ۱۳۹۶)، در جهت نابودی دولت‌های شبه‌مدرن خاورمیانه‌ای گام برداشته (مفیدی و رحمانی، ۱۳۹۷) و در چارچوب گفتمان مقاومت در برابر روندهای مسلط جهانی کوشیده است «دولت‌واره‌ای کمابیش موثر را در سرزمینی مشخص [بر محور مفهوم خلافت] برقرار نماید» (کیوان حسینی و محمدی‌کیا، ۱۳۹۶: ۴۲-۱۴۱)، نظام سیاسی آن مشابه الگوی غالب دولت در خاورمیانه بوده است (رک: مشاور، ۱۳۸۳: ۳۲۵). در نتیجه توصیف آن به عنوان یک گروه سنت‌گرا و غیرمدرن موجب ساده‌سازی واقعیت می‌شود. در واقع، نایستی فراموش کرد که این گروه و اساساً تمامی جریان‌های بنیادگرا به تعبیر تیبی، «بخشی از

یک پدیده جهانی» (Tibi, 1993: 32) هستند و تنها در درون جریان مدرنیته می‌توان آنها را فهمید. جان گری معتقد است اگرچه داعش داعیه احیای نظام سیاسی سنتی اسلامی را دارد، بسیار مدرن‌تر از آن چیزی است که تصور می‌شود: «در زمینه عشق به قدرت و کسب آن، داعش بیش از آن که به حاکمان سنتی شبیه باشد به حکومت‌های توتالیتر قرن بیستمی شباهت دارد... داعش خواستار ساخت جامعه‌ای جدید است که بیشتر به هدف جنبش‌های انقلابی مدرن شباهت دارد، بسیار شبیه به وضعیت غیرممکن آرمانشهری که انقلابیون غربی برای آینده پیش‌بینی می‌کردند، مشابه جامعه ترسیمی کمونیست‌ها و آنارشیست‌ها بویژه آنکه تحقق این ایده می‌تواند از طریق خشونت منظم توسط پیشگامی انقلابی امکان‌پذیر شود» (Gray, 2014). از این‌رو تمرکز مقاله بر چارچوب مفهومی «دستگاه ایدئولوژیک دولت» فاقد اشکال به نظر می‌رسد.

نظام مدیریتی و اجرایی داعش

گروه دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش، تاسیس نظام خلافت را در ژوئن ۲۰۱۴ به‌طور رسمی اعلام کرد و طی بیانیه‌هایی خواستار حمایت مسلمانان از این نظام و مبارزه با حکومت‌های کافر شد. ابو محمد العدنانی، سخنگوی وقت داعش در این باره گفت: «این وظیفه همه مسلمانان است که با خلیفه ابراهیم بیعت و از او حمایت کنند» (Bunzel, 2015: 31). راهبرد داعش برای تاسیس نظام خلافت، اعمال کنترل بر زمین از طریق فتوحات نظامی و سپس تقویت این کنترل از طریق ایجاد حکومت بوده است. با وجود آنکه ظهور و قدرت‌گیری ناگهانی داعش، بسیاری از تحلیلگران را سردرگم کرده بود، ماهیت ایدئولوژیک این گروه و باورهای آنان را می‌توان در نوارهای صوتی رهبران آن و موضوعات مذهبی و سیاسی مطرح شده در آن‌ها در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ جست‌وجو کرد (Bunzel, 2015: 4). بنابراین، آنچه درباره رمزآلود بودن ایدئولوژی آن گفته می‌شود، از بی‌توجهی به گفتارها و نوشتارهای رهبران داعش پیش از سال ۲۰۱۳ سرچشمه می‌گیرد. حتی تغییر نام این گروه از شاخه القاعده عراق به «دولت اسلامی» در سال ۲۰۰۶ نیز نشان‌دهنده تغییر مهم و تلاش برای قلمروگشایی در منطقه و تشکیل نظام خلافت بود.

ساختار داعش از ابتدا بر محور خلیفه و سپس ارکانی چون مجلس شورا، هیات‌ها و

شوراها (شرعی، نظامی، رسانه و مالی) تعریف شده بود (شاهقلیان و رستمی، ۱۳۹۵) و پس از موفقیت‌های چشمگیر اولیه نیز مناطق تحت سلطه در سوریه و عراق به ۱۶ ولایت تقسیم شد، ولی کنترل مناطق و تحقق وعده‌های داعش ایجاب می‌کرد دستگاه اداری و اجرایی آن گسترش یابد. از این رو سازمان حکمرانی در این سرزمین‌ها بلافاصله به دو بخش تقسیم شد: امور اجرایی و خدماتی. ادارات اجرایی شامل مدیریت امور مذهبی (نهادهای شریعت)، بخش‌های قضایی و جزایی (دادگاه‌ها و اجرای مجازات‌ها)، مدارس آموزشی و عضوگیری بودند. در بخش خدمات هم می‌توان به کمک‌های غذایی و تأمین آب و برق در مناطق تحت فرمان اشاره کرد که ذیل عنوان «وزارت خدمات مسلمانان» انجام می‌شد (Caris & Reynolds, 2014: 4). البته میزان کارآمدی برنامه داعش در نواحی مختلف به سطح کنترل این گروه بر آن نواحی بستگی داشته و اقدامات گروه در هر ناحیه متأثر از این مساله بوده است؛ برای مثال داعش زمانی که در پاییز ۲۰۱۳ استان لاذقیه سوریه را اشغال کرد، قابلیت پایینی از حکمرانی را نشان داد که عمدتاً به برنامه‌های خدماتی معطوف بود. در واقع لاذقیه استان مهمی به‌شمار می‌آمد، زیرا امکان دسترسی به مناطق علوی‌نشین سوریه را فراهم می‌کرد، اما به‌لحاظ راهبردی برای کارزار نظامی داعش حیاتی نبود و جمعیت زیادی نیز نداشت (Wilayat Latakia Twitter Post, 2013). در عوض، پس از اشغال شهر حلب در همان زمان، داعش سازماندهی عظیمی را برای به‌عهده گرفتن کنترل پروژه‌های زیرساختی این شهر انجام داد و با وجود آنکه کنترل تمامی شهر را در اختیار نداشت، شماری از برنامه‌های خود از جمله تأسیس اداره برق و اداره ترافیک را در این شهر اجرا کرد. همچنین بلافاصله جلسات فراوانی برای دعوت مذهبی ساکنان شهر آغاز شد. حال برای درک بهتر فرآیندی که برای آفرینش انسان و جامعه آرمانی مورد نظر رهبران داعش آغاز شده بود، بایستی بر عملکرد اداره تعلیم (آموزش) به خصوص درباره کودکان و زنان متمرکز شد، هرچند پیش از آن لازم است درباره اداره دعو به‌عنوان بخشی از وزارت شریعت نیز به کوتاهی توضیح داده شود.

اداره دعو

دعوت مذهبی جزء نخستین اقداماتی بود که داعش پس از ورود به هر منطقه تازه‌ای انجام می‌داد و شامل فراخوان رسمی ساکنان آن منطقه برای پذیرش تفسیر خاص این

گروه از اسلام می‌شد. همچنین در طول زمان، اقداماتی چون تشویق به حفظ قرآن و شرکت در مراسم مذهبی صورت می‌گرفت. در مواردی ممکن بود کار نشر عقاید از طریق تشکیل گروه‌های کوچک مطالعاتی یا پخش جزوه و نشریه در مساجد محلی انجام شود. در حلب، از اوایل ژوئن ۲۰۱۳ هم‌زمان با ماه رمضان، کار دعوت آغاز شده بود (Al-Tamimi, 2013). همچنین می‌توان به مصادره کلیسای ارمینان در رقه که به مرکز اصلی دعوت تبدیل شد و یا برگزاری کلاس‌های حفظ قرآن در ژوئن ۲۰۱۳ اشاره کرد. در همین چارچوب، بنیاد الفرقان در ۲۸ مه ۲۰۱۴ فیلمی را با عنوان «بهترین امت» منتشر کرد که طی آن به مسلمانان یادآوری می‌شد که بایستی در مراسم نماز جمعه شرکت کنند.

اداره تعلیم (آموزش)

آموزش مؤلفه‌ای مهم است که از ابتدا مورد توجه رهبران داعش قرار داشته است. اگرچه دعوت اندکی پس از حضور داعش در هر منطقه‌ای انجام می‌شد، اجرای یک برنامه هماهنگ آموزشی از سوی آن نیازمند امکاناتی چون منابع انسانی و منابع درسی بود. لذا داعش در مناطقی به بازگشایی کلاس‌های درس و سازماندهی برنامه‌های درسی می‌پرداخت که از سرمایه و منابع لازم در آن مناطق برخوردار بود و در مناطقی که به دلیل کمبود امکانات، برنامه آموزشی بلندمدتی تعقیب نمی‌شد، ارتباط با مخاطبان و جلب وفاداری و حمایت‌شان تنها از طریق دعوت انجام می‌شد.

نظام آموزشی داعش بر علوم اسلامی از جمله تدریس قرآن تأکید داشت و به علوم دیگر از جمله فیزیک یا ریاضی، توجه زیاد یا خاصی نداشت. یکی از برنامه‌های آموزشی اجرا شده در مسجدی در ناحیه «جرا بلوس» واقع در شمال شرقی حلب که در ۱۰ مارس ۲۰۱۴ بر روی اینترنت قرار گرفت، نشان می‌داد که برنامه‌های آموزشی داعش بر «عقیده» (ایمان)، «شریعت» و «سیره» پیامبر اسلام (ص) متمرکز بودند (Al-Tamimi, 2014 b). نوار ویدئویی که در ۶ سپتامبر ۲۰۱۳ از سوی الفرقان منتشر شد، شیخی بنام «ابوعمار» را در حال آموزش تعلیم قرآن به کودکان و نوجوانان شهر رقه نشان می‌داد؛ نزدیک به ۵۰ دانش‌آموز در این جلسه آموزشی حضور داشتند و همگی پیشانی‌بندهای مشکی نماد داعش را بسته بودند (ISIS Wilayat Raqqa, 2013).

شیوه‌های آموزشی و منابع درسی

برای آشنایی با منابع و شیوه‌های آموزشی داعش می‌توان از سه منبع استفاده کرد: نخست آثار «مکتب‌الهمه» و «مطایع الدوله الاسلامیه» که مراکز اصلی چاپ و نشر کتاب‌های این گروه بود؛ دوم، متون آموزشی در مدارس داعش و سوم بررسی ادبیات تولید شده توسط داعش از طریق مطالعه دستورالعمل‌ها و جزوه‌های کوچک منتشر شده برای جنگجویان در این باره. «مکتب‌البحوث و الدراسات» نیز به نشر تحقیقات و فتوای داعش (الدیوان الفتاوی والبحوث) اختصاص داشت (Al-Tamimi, 2016). تمامی این موارد آشکار می‌سازند که رویکرد نظام‌مندی برای توجیه اهداف خشونت‌آمیز داعش، تبلیغ روایت آخرالزمانی‌اش و معرفی حکومتش به‌عنوان خلافت وجود دارد. همچنین بایستی خاطر نشان کرد کتاب‌های درسی داعش به دو دسته تقسیم می‌شود: موضوعات و مفاهیم مذهبی شامل قرآن، ایمان، شریعت و حدیث و کتاب‌هایی که علوم معمول و مهارت‌هایی مانند آمادگی جسمانی و دستور زبان را یاد می‌دهند. با این حال، در بخش آغازین عموم کتاب‌های درسی توضیح داده شده است که باید مهارت‌های عالی و بهترین سلاح‌های مدرن را برای مبارزه با دشمنان خدا بدست آورد.

مرور این آثار بیانگر آن است که داعش به‌منظور تبدیل منابع اسلامی به ابزاری برای حمایت از ایده‌ها و آرمان‌های خود از ادبیات قرون میانه استفاده می‌کند و آموزش دیدگاه‌های ایدئولوژیک خود را با استناد به اندیشه‌های متفکران مسلمان این قرون بویژه ابن تیمیّه انجام می‌دهد. بر این اساس بر دو محور تاکید شده است:

الف- بازتعریف اسلام و لزوم اجرای آن: داعش همواره ادبیات خود را با اصطلاحات سلفیه می‌آمیزد و با این کار در پی توانمندسازی خود به‌عنوان مجری دستورات اسلام است و بدین ترتیب نشان می‌دهد نماینده اسلام راستین بوده و نظام خلافت، تنها منبع اقتدار و صاحب صلاحیت برای تعریف و صدور فرمان‌های اسلامی است. بنابراین داعش، مفاهیم مذهبی را به‌منظور توجیه لزوم اطاعت مسلمانان از این گروه بازتعریف می‌کند؛ برای مثال از مفهوم هجرت به‌عنوان سفر و کوچ از کشوری که در آن ظلم و ستم در جریان است، به سرزمین‌های تحت حکومت این گروه یاد می‌کند.^۱

۱. اسدی و مجیدی در مقاله خود نشان می‌دهند چنین روندی بر محتوای مجله دابق نیز حاکم بوده است (اسدی و مجیدی، ۱۳۹۷).

ب- آگاهی از شرایط و موقعیت‌های موجود: انواع مختلف نشریات و منابع تبلیغاتی داعش و طیف گسترده‌ای از موضوعات تحت پوشش آن نشان‌دهنده آگاهی داعش از لزوم پاسخ‌گویی به مخاطبان متنوع با شرایط متفاوت و نیازهای مختلف آنان است.

کتاب‌های درسی داعش

کتاب‌های درسی داعش پس از یک سال بررسی وزارت آموزش این گروه و انجام اصلاحات لازم در برنامه درسی و محتوای کتاب‌ها در اواخر سال ۲۰۱۵ منتشر شدند. «ایمن التیمی» این دوره یک ساله اصلاحات را «دوره انتقالی» می‌نامد (Al-Tamimi, 2015). او اشاره می‌کند این اصلاحات مربوط به برنامه‌های درسی وضع شده در رقه سوریه بودند که بر اساس آن تدریس موسیقی، نقاشی، ورزش و فلسفه ممنوع شد. با این حال، هم‌زمان با فعالیت وزارت آموزش برای اصلاح منابع و تنظیم مقررات جدید، از کتاب‌های درسی عربستان در سرزمین‌های تحت کنترل این گروه استفاده می‌شد (Kirkpatrick, 2014).

داعش در اکتبر ۲۰۱۵، کتاب‌های درسی‌ای را برای کلاس‌های یکم تا پنجم منتشر کرد. در این کتاب‌ها موضوعات مختلفی از آموزش خط، خواندن و شیمی گرفته تا زیست‌شناسی وجود داشتند. علاوه بر آن آموزش زبان انگلیسی، برنامه‌نویسی رایانه، فیزیک و آمادگی جسمانی نیز در برنامه درسی گنجانده شده بودند. همچنین نرم‌افزاری را برای آموزش الفبا به دانش‌آموزان و نرم‌افزار دیگری برای آموزش ادعیه اسلامی و چگونگی هدف گرفتن کشورهای غربی با اسلحه و... در نظر گرفته شده بود (Site Intelligence Group, 2016). بررسی دیگری نشان می‌دهد در این کتاب‌ها بر خلافت، جهاد و پیروزی در میدان جنگ به عنوان عوامل پیشرفت اسلام تأکید شده است. همچنین به طور خاص از آیاتی استفاده شده است که با شریعت مرتبط هستند (Tony Blair Foundation, 2015). البته در آنها اشاره مستقیمی به مکاتب چهارگانه اهل سنت نشده است بلکه به طور مستقیم به قرآن و احادیث استناد می‌شود. به دلیل مخالفت داعش با مرزهای سیاسی موجود نیز، مفهوم دولت-ملت و مرزهای ناشی از آن در کتاب درسی جغرافیا مطرح نشده و در عوض بر جغرافیای طبیعی بویژه جنبه‌های توپوگرافی و زمین‌شناسی در قرآن و حدیث تأکید شده است. افزون بر موارد

فوق، مثال‌ها و مساله‌های کتاب‌ها با مفاهیم بنیادی و ایدئولوژی این گروه مرتبط است؛ برای نمونه در مسئله‌های کتاب ریاضیات آمده است که «اگر ۲۷۵ هزار قهرمان در نبرد حضور داشته باشند و ۳۵۶ هزار کافر نیز در آنجا باشند، سربازان کدام طرف بیشتر هستند؟» (Niqash, 2015) تصاویر نیز در واضح‌ترین و ساده‌ترین حالت نمایش داده شده‌اند. در بسیاری از آنها پرچم این گروه وجود دارد و در پایان هر فصل درسی، تصاویر اسلحه دیده می‌شوند.

از سوی دیگر، دستورالعمل ارائه شده به معلمان در بردارنده قواعدی است که نشان می‌دهد مسائل الهی باید در درس‌ها لحاظ شوند (Al-Tamimi, 2014 a). به‌طور خاص، تأکید شده بود که مسائل مبتنی بر احساسات ملی‌گرایانه بایستی از کتاب‌ها حذف و استفاده از تعابیر ناسیونالیستی ممنوع شود، زیرا از دید آنان، نقض اسلام ناب به شمار می‌رود.

عموم کتاب‌های درسی داعش این‌گونه آغاز شده‌اند: «با لطف و رحمت خداوند متعال و تأیید دولت اسلامی از سوی اوست که امروز وارد عصر تازه‌ای شده‌ایم تا برای نخستین‌بار، آموزش و پرورش اسلامی را بر مبنای روش قرآن و سنت نبوی بنیان نهیم، تا درک درستی از پیشینیان مؤمن و صحابه داشته باشیم؛ آن‌هم با رویکردی ناب که نه شرقی است و نه غربی. رویکرد نبوی به قرآن کریم به دور از انحرافات است که سوسیالیسم شرقی یا سرمایه‌داری غربی و کارگزاران احزاب سیاسی با بدعت‌گذاران فاسدشان آن‌ها را توصیه می‌کنند تا بر فرزندان جامعه اسلامی تأثیر بگذارند. امروز دولت اسلامی با تکیه بر قرآن و سنت، راه پیشینیان مؤمن را طی می‌کند؛ منابعی که نه انحرافی در آن‌ها رخ داده و نه تغییری در آن داده شده است؛ آن‌هم در زمانی که افراد فاسد با مفاسد خود هر چیزی را دستکاری کرده‌اند. این دو منبع از دست تحریف‌کنندگان و منکران در امان مانده‌اند» (Re: Olidort, 2016).

یکی از ویژگی‌های بارز کتاب‌های درسی داعش آن است که آنها دارای چارچوب‌بندی مشخصی برای مقایسه با زمان حاضر هستند؛ برای مثال در کتاب تاریخ، پنج دوره تاریخی مشخص شده است که با نبوت پیامبر (ص) شروع می‌شود تا به دوران خلافت اسلامی برسد. اگرچه تمرکز کتاب بر تاریخ زندگی حضرت محمد (ص) و نیروهای تحت فرمان ایشان است، برای ملموس‌تر و واقعی‌تر کردن مباحث از نقشه

نبرد استفاده شده و گاه در میانه توصیف جنگ‌های پیامبر اسلام (ص)، تفسیری از تاریخ معاصر و شرایط کنونی ارائه می‌شود. پس از آن، کتاب از دانش آموز می‌خواهد که دوره زندگی ایشان در مدینه را مطالعه کرده، مهمترین ویژگی‌های آن را شرح دهد، درباره منافقان در هر دوره‌ای مطالعه کند و بداند که حضور منافقان در هر دوره‌ای امری طبیعی است.

در بخش مربوط به جنگ بدر نیز پس از شرح پیروزی سپاه اسلام، نکات زیر از دانش آموزان خواسته می‌شود: به‌خاطر سپردن نقش‌های متنوع بازیگران مختلف در دوران جنگ؛ به یاد آوردن کمک خداوند به مسلمانان در طول نبرد؛ اهمیت موضوع توکل به خدا، مفهوم ایمان و امداد الهی؛ لزوم ایجاد رعب و وحشت در میان ناباوران و ترساندن کفار؛ درک ضرورت کشتن اعضای خانواده در صورت لزوم؛ آگاهی از آن که جنگ در راه خداوند به دفاع در برابر دشمن محدود نمی‌شود بلکه فراتر از آن؛ هدف، استقرار قوانین خداوند و مبارزه با کفار و تبدیل شدن آنان از بردگان خدایان چندگانه به پرستش‌کنندگان خدای یگانه است (Olidort, 2016).

به‌طور خلاصه، داعش از کتاب‌های درسی به‌عنوان ابزاری نظام‌مند در راستای راهبرد تلقین استفاده می‌کند و این کتاب‌ها وسیله‌ای برای رشد کودکان و نوجوانان با پیش‌زمینه‌ای مشترک هستند.

دیگر آثار داعش

بسیاری از آثار و جزوات علمی یا تبلیغی داعش به دنبال ارائه تصویری از سنت دینی، میراث علمی، طرحی برای شیوه زندگی در جامعه اسلامی و لزوم اتحاد در جامعه هستند. بر این اساس، انتشار برخی از آثار نویسندگان و متفکران سلفی متقدم مورد توجه و در دستور کار قرار گرفت و گروهی از ویراستاران برای گردآوری و ویرایش اینگونه آثار به خدمت گرفته شدند. جالب آنکه در عمده آثار داعش به سخنان «محمد بن عبدالوهاب» استناد شده است که با رقابت‌های این گروه با میراث عربستان سعودی ارتباط دارد. در جزوه‌ای در این باره آمده است: «دولت اسلامی خواستار احیای توحید، جهاد و سنت و دوری از شرک، ارتداد و بدعت‌گذاری در دین است. حکام کافر در طول زمان با شمشیر و نكوهش دولت اسلامی و ارتش آن روبه‌رو خواهند شد. گسترش شک و تردید به قیود

دینی، راه را برای یاری گرفتن آنان از صلیبیون گشوده است. با این اوصاف آنان مدعی هستند که پیروان «محمد بن عبدالوهاب» هستند. آنان این کارها را انجام می‌دهند، در حالی که از برحق بودن دولت اسلامی و جنگجویان آن آگاه هستند. کار دولت اسلامی، فراخواندن به وحدت و یگانگی خداوند و جهاد است که پیامبر (ص) و اصحاب او به ارمغان آورده‌اند و عبدالوهاب و فرزندانش خواستار احیای آن بوده‌اند. در این آثار از آل سعود به تمسخر با عنوان «آل سلول» نام برده شده است (Olidort, 2016) که به عبدالله بن ابی سلول اشاره دارد که به عنوان سرکرده منافقان مدینه از وی یاد می‌شود.

یکی از موضوعات جالب در اغلب این آثار، اولویت قائل شدن برای علوم مذهبی و تحقیر علمی است که «علوم غربی» خوانده شده‌اند. برای نمونه در جزوه‌ای که آشکارا با هدف اسطوره‌سازی برای جذب هوادار منتشر شده، آمده بود: «جهان اسلام با ایجاد دولت اسلامی در سرزمین‌های عراق و سوریه، شاهد ظهور جامعه‌ای است که در درجه نخست به پرستش خدای یگانه می‌پردازد و هرچه با این هدف در تضاد است، جهنمی است. با گذشت زمان و تلاش بیشتر، شاهد بازگشت به تصویر نخست از یک جامعه مسلمان، همانند زمان حکومت پیامبر و خلفای راشدین، خواهیم بود» (Winter, 2015: 11). در ادامه اشاره شده بود که مسلمانان مانند هیچ قوم دیگری نیستند و جامعه آنان با هیچ جامعه دیگری قابل مقایسه نیست: «این اشتباه است که جامعه اسلامی را با جوامع امروز جهان مقایسه کنیم. برخی از افراد جامعه اسلامی، مقایسه بیهوده‌ای با جامعه غربی انجام می‌دهند و بدتر از آن، مسائل مرتبط با پیشرفت مادی را مطرح می‌کنند. این مادی‌گرایان، کلام خدا را نادیده می‌گیرند. همان گونه که قرآن می‌فرماید: آنان از آخرت بی‌خبر هستند». این متن همچنین از ابن سینا، ابن نفیس، کاشف‌گردش خون در بدن و ابن هیثم؛ فیزیکدان به‌عنوان ملحدانی یاد می‌کند که هیچ دلیلی ندارد مسلمانان به این بدعت‌گذاران استناد کنند و اصولاً لازم نیست مسلمانان بخش‌هایی از زندگی کوتاه خود را برای یادگیری علمی بگذرانند که هیچ پاداش معنوی‌ای ندارد. در عوض آنچه باقی می‌ماند، علوم دینی و مذهبی است: «جامعه مطلوب اسلامی باید از گرفتار شدن در کاوش علمی خودداری کند... تنها علمی مانند کشاورزی، پزشکی و ساختمان‌سازی لازم هستند که انسان نمی‌تواند بدون آنها زندگی کند. یادگیری این علوم تنها در صورتی مجاز است که زندگی مسلمانان را تسهیل کنند.

به قول امیرالمومنین، ابراهیم القریشی که در پیام ارزشمند خود به مسلمانان گفت: تنها خدا را عبادت کنید و از او بترسید. او شما را در آخرت به مقام و جایگاه والایی می‌رساند. اگر می‌خواهید زندگی خوب داشته باشید، از او بترسید و جهاد کنید.» در بخشی دیگر نیز بیان شده بود که وسواس در مورد مطالعه سلول‌های مغز کلاغ تا دانه‌های شن و ماسه و عروق ماهی، یک انحراف اساسی از هدف انسان‌ها که همانا عبادت خداوند است، به‌شمار می‌آید و این «وسواس علمی» خلوص و ذات بشریت را لکه‌دار کرده است (Winter, 2015: 13-15).

یکی از مباحث مهم این آثار مربوط به توضیح نقش زنان در جامعه اسلامی است و می‌تواند تصویری دقیق‌تر از دغدغه‌های داعش برای پرورش انسان ایده‌آل بدست دهد. در این زمینه به خصوص مجموعه «المراه فی الدوله الاسلامیه» قابل ذکر است که توسط گردان «الخنساء»^۱ در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۵ به زبان عربی منتشر شد. اگرچه این جزوه تصویری تبلیغاتی و اغراق‌شده از سبک زندگی زنان عضو داعش ترسیم می‌کند، اهمیت اساسی آن بدین سبب است که در فهم اندیشه و رویکرد داعش نسبت به زنان و درک دیدگاهش درباره تعلیم و تربیت دختران کمک می‌کند و نویسندگان این مجموعه تلاش کرده‌اند برای تقویت استدلال‌های خود از مباحث تاریخی، سیاسی و دینی بهره بگیرند. در بخشی از این کتابچه، ضمن آنکه از آسیه و مریم به عنوان دو الگوی دینداری و پاکدامنی یاد شده، از فمینیسم با عنوان «برنامه‌های غربی برای زنان» نام برده شده است و البته به‌نظر نویسندگان این مطلب، همه این برنامه‌ها شکست خورده‌اند. از دید آنان، نادیده گرفتن نقش متفاوت هر جنس سبب شده است مردم فراموش کنند که به‌راستی چگونه باید خدا را پرستش کرد. آنان در ادامه اشاره می‌کنند چنانچه یک زن، بی‌سواد و نادان باشد؛ نمی‌تواند نقشی را که به‌عهده‌اش گذاشته شده است، به‌خوبی ایفا کند. از این‌رو، تعلیم و تربیت الزامی است و برای آن، برنامه آموزشی‌ای ارائه شده است که ایده‌آل‌ها را برای دختران ترسیم می‌کند. طبق این برنامه، تعلیم و تربیت دختران در هفت سالگی آغاز می‌شود و در پانزده سالگی پایان می‌یابد. نقش اصلی مطرح شده برای زنان نیز خانه‌داری و نقطه محوری آن، ازدواج است که برای دختران جوان از نه‌سالگی

۱. این گردان که شامل زنان ۱۸ تا ۲۵ ساله هوادار داعش می‌شد، در فوریه ۲۰۱۴ ابتدا در شهر رقه و اندکی بعد در سایر شهرهای تحت کنترل آن گروه تشکیل گردید (Spencer, 2016: 83).

آغاز می‌شود (Winter, 2015: 24). نکته جالب توجه آن‌که شرایط مجاز برای خروج زنان از خانه عبارت است از: اگر در حال رفتن برای تحصیل دروس مذهبی باشند؛ اگر قصد عزیمت به سوی پزشک یا معلم زن داشته باشند؛ اگر راهی شرکت در جهاد با فتوای دولت اسلامی باشند، آن‌هم در شرایط خاصی که وضعیت امت در خطر است و باید از جان‌گذشتگی کرد که برای مثال، می‌توان از حضور زنان عراقی و چچنی در میدان‌های نبرد یاد کرد.

در بخش دیگری از این جزوه، موضوع تحصیلات زنان مطرح و گفته شده است: «ما می‌گوییم زنان در خانه بمانند، اما نه به آن معنا که از بی‌سوادی و عقب‌ماندگی و جهل حمایت می‌کنیم. ما فقط میان خروج زن از خانه به قصد مطالعه و یادگیری و میان آنچه مقرر شده است که او باید انجام دهد، تمایز قائل می‌شویم». البته درک داعش از آموختن علم توسط زنان محدود به اصول شریعت می‌شود، چنان‌که در همان جزوه آمده است: «آنان ادعا می‌کنند که دانش دنیوی مهم است و دانستن آن تنها نکته ضروری است. آنان مدعی هستند که شریعت، علم نیست و به همین دلیل زنان را وادار به یادگیری بی‌ارزش‌ترین علوم می‌کنند... در حالی که مهم آن است که زنان قادر به خواندن و نوشتن و درک اصول دین خود باشند» (Winter, 2015: 21, 23-25).

همچنین در قسمت پایانی این جزوه، در ستایش وضعیت موصل پس از کنترل داعش آمده است: «در حال حاضر، زنان بدون نیاز به نشان دادن چهره خود قادر به سفر در رقه هستند. احترام به بدن زنان بازگشته و امکان دیدن آن از چشم ناظران گرفته شده است. افرادی با دل‌های خراب دیگر نمی‌توانند چهره زنان را ببینند. عوامل اصلی تحقیر زنان، از جمله مغازه‌های نمایش‌دهنده لباس‌ها جمع شده‌اند، عکس‌های جنجالی از دیوارها کنده شده و ویتترین‌ها ممنوع شده‌اند» (Winter, 2015: 28).

با مرور نکات فوق به نظر می‌رسد جایگاه زنان در جامعه آرمانی داعش تا حدودی روشن شده باشد، به خصوص آنکه خانه نمادی از بهشت توصیف می‌شود که زن در آن از شر شیطان در امان خواهد بود (Spencer, 2016: 63). جالب اینجاست که یافته‌های یک مطالعه نشان می‌دهد خانواده آرمانی از منظر این تفکر، واحدی تحت تاثیر اهداف اجتماع تعریف می‌شود که وظیفه تولید مثل، جامعه‌پذیری و نیروسازی برای جهاد را برعهده دارد و- در این چارچوب- زنان بیشتر مناسب برای فعالیت‌های داخل خانه، ابزار

کثرت جمعیت و تربیت نسل جدید جنگجویان هستند (عرفان‌منش و صادقی فسایی، ۱۳۹۵: ۴۳).

فرآیند غیررسمی پرورش نسل جدید

چنانچه بر محتوای آثار داعش به‌خصوص کتاب‌های درسی تمرکز شود، بعید است بتوان تصویری دقیق و شفاف از عملکرد این گروه برای پرورش انسان‌های جدید و ساخت جامعه‌ای اسلامی بدست آورد. برای همین، به نظر می‌رسد علاوه بر تلاشی که تاکنون صورت گرفت، بررسی کوتاه دیگر شیوه‌های این گروه برای اثرگذاری بر کودکان و نوجوانان نیز ضروری است.^۱ واقعیت آن است که کودکان و نوجوانان را به راحتی می‌توان وارد فرایند تعلیم و تربیت نمود چرا که در ذهن آنان، در مقایسه با افراد بزرگسال، مفاهیم پیش‌ساخته کمتری وجود دارد. در نتیجه، ذهن کودک همانند تخته پاک و دست‌نخورده‌ای است که انعطاف‌پذیر و در عین حال آسیب‌پذیر است (Benotman & Malik, 2016). همچنین، برخلاف بزرگسالان و افراد بالغ که برای تغییر جهان‌بینی و آثار و تجربیاتشان از زندگی گذشته نیازمند زمان هستند، تربیت کودکان و تبدیل آنان به عناصر افراطی کار ساده‌تری است و می‌توان ایدئولوژی گروه را راحت‌تر و به شکلی خالص به آنان القا کرد (NCTV & AVICT, 2017). در نتیجه، کودکان نه تنها به دلیل فراگیری سریع ارزشمند هستند، بلکه می‌توانند نگهبانان و ناقلان ایدئولوژی گروه برای نسل‌های بعدی باشند. بنابراین، طبیعی است که داعش به منظور تضمین ثبات آینده، به کودکان به عنوان ابزاری قابل مصرف نگاه نکند، بلکه آنان را سرمایه‌ای برای تجسم خارجی آن گروه بداند (Anderson, 2016: 6).

نیاز به کودکان برای تبدیل شدن به حامیان بلندمدت و مروجان جهان‌بینی داعش، ابزارهای عضوگیری و کسب تعهد آنان را دگرگون ساخته است. سینگر که نظامی شدن

۱. پرداختن به موضوع روش‌های تعلیم و تربیت بدون توجه به نقش رسانه و سرمایه‌گذاری داعش در این زمینه ناقص می‌ماند. در ژوئن سال ۲۰۱۵ میلادی داعش جزوه ۵۵ صفحه‌ای را با موضوع اهمیت رسانه در جهاد منتشر کرد که در آن گفته شده بود: «واقعیت آن است که سلاح کلمات گاهی اوقات می‌تواند از بمب اتمی نیز قوی‌تر باشد و می‌توان با آموزش نسل جدید رسانه‌ای از آنان در راستای اهداف خلافت اسلامی متکی بر سیره نبوی بهره‌برداری کرد» (Olidort, 2016) اما به دلیل آنکه درباره نقش رسانه‌های داعش مقالات متعددی نوشته شده است، به نظر می‌رسد بحث مجدد در این باره ضرورتی نداشته باشد.

کودکان در جنگ و مستندات مرتبط با آن را بررسی کرده، سه مرحله مهم مشارکت کودکان در منازعات مسلحانه را چنین بیان نموده است: گزینش، آماده‌سازی ذهنی (از طریق تعلیم و تربیت) و اقدام عملی (Singer, 2006: 127-128). هورگان و همکارانش نیز بر روند تدریجی آموزش رسمی و غیررسمی و مشارکت و تعامل در سازمان تاکید دارند و شش مرحله را برای جذب کودکان مطرح می‌کنند: اغوا شدن^۱ (در معرض ایده‌ها و کارکنان گروه قرار گرفتن)، آموزش^۲ (معمول، مستقیم و یا در معرض تعلیم و تربیت سخت‌گیرانه قرار گرفتن)، گزینش^۳ (آماده‌سازی نهادی برای حضور در فعالیت‌های نظامی و یا سایر نقش‌ها)، انقیاد و اطاعت‌پذیری^۴ (تحت آموزش‌های روانی و جسمانی قراردادن و فرد را نسبت به سازمان متعهد ساختن)، تخصصی‌سازی^۵ (پرورش تخصص از طریق آموزش مهارت‌های تخصصی)، و مستقر ساختن^۶ (تخصیص نقش، استقرار و عضوگیری اعضای تازه) (Horgan, 2017: 651-658).

در مدل مدنظر هورگان، برخلاف مرحله‌بندی سینگر، تکنیک‌های تعلیم و تربیت مقدم بر گزینش هستند و این امر، به خصوص درباره داعش، برای کسب اطمینان از امنیت درون سازمانی در بلندمدت و کاهش احتمال خیانت اعضا حیاتی است. برای داعش و سازمان‌هایی مانند آن اصولاً اعتمادسازی، تامین نیازهای عاطفی و جدا ساختن اعضا از تأثیرات - به‌زعم آن گروه - مخرب خارجی موضوعی مهم است. بنابراین ایجاد تغییر در جهان‌بینی اخلاقی افراد پیش از ثبت‌نام آنان در گروه برای تضمین گزینش افراد مشتاق‌تر، متعهدتر و وفادارتر امری ضروری به‌شمار می‌رود. با توجه به این نکته، محورهای زیر در مرحله تماس اولیه با کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار می‌گیرد (Re: Vale, 2018).

1. Seduction
2. Schooling
3. Selection
4. Subjugation
5. Specialization
6. Stationing

الف- حساسیت‌زدایی نسبت به خشونت:^۱ داعش به طور گسترده خشونت را در معرض دید عموم در اراضی تحت کنترل خود قرار داده است. آن‌هم با این هدف که خشونت و مرگ را «عادی» سازد. در واقع این امر یک برنامه‌ریزی دقیق با این هدف است که کودکان و نوجوانان خشونت را به عنوان راهی طبیعی برای ادامه زندگی بپذیرند و راه برای تسهیل کاربرد خشونت توسط خود آنان به عنوان جنگجویان جهادی هموار شود. هورگان اشاره می‌کند که در اکثر گزارش‌ها و فیلم‌های منتشر شده از سوی آن گروه، تصاویری از اجرای مجازات و حدود شرعی از جمله قطع دست و پا، سنگسار یا سر بریدن دیده می‌شود که کودکان بخش قابل توجهی از جمعیت تماشاگر را تشکیل می‌دهند (Horgan, 2017: 654). از طرف دیگر، داعش به‌طور مداوم از کودکانی عمدتاً خردسال در ویدئوهای خود به عنوان مجری اعدام استفاده می‌کند تا تصویری ماورای تصور از خشونت خود را به نمایش گذاشته و تقویت کند. در این فیلم‌ها، گروه‌هایی از پسران نمایش داده می‌شوند که شلیک به گروگان‌ها و زندانیان تحت بازداشت داعش و بریدن سر آنان را یاد گرفته‌اند.

ب- نمایش شیوه مثبت زمامداری:^۲ در بستر درگیری‌ها و نیز محرومیت‌های گسترده، داعش تلاش کرد تا خود را به عنوان یک دولت نوپای کارآمد و نیروی فرمانروایی موثر اثبات کند که باعث کاهش جرایم و تامین خدمات مورد نیاز ساکنان مناطق تحت قلمروی خود شده است. اهمیت تبلیغات داعش در این زمینه هنگامی آشکار می‌شود که به یاد آوریم به دلیل گسترش جنگ و ستیز در سوریه و عراق، بخش آموزش و پرورش دو کشور به شدت آسیب دید. در نتیجه، داعش از این خلاء استفاده کرد و با موفقیت از آن بهره‌برداری نمود. در سپتامبر ۲۰۱۳، این گروه در تبلیغات رسمی خود از طریق الفرقان اعلام کرد که یک طرح آموزش گروهی را در نظر دارد (Islamic State, 2013). در شماره ۹۷ خبرنامه «النبا» از پیشرفت این برنامه آموزشی نوشت و در تصاویر اینفوگرافیک، آن گروه مدعی شد که ۱۰۰۴۲۳ دانش آموز دختر و پسر سوری در ۱۳۵۰ مدرسه ابتدایی تحت کنترل داعش مشغول تحصیل هستند (Islamic State, 2017). واقعیت آن است که در وضعیت بهم ریخته سوریه، داعش توانست ۱۳۵۰ کلاس مدرسه

1. Desensitisation to Violence
2. Positive Governance

در مقاطع ابتدایی و راهنمایی را در عمل به حوزه‌های عضوگیری تبدیل کند و کلاس‌های دروس ایدئولوژیک را برای کودکان و نوجوانان برقرار سازد (Gramer, 2017).

پ- اعطای حس هویت جمعی:^۱ برای داعش، تسخیر قلب‌ها و اذهان ساکنان اراضی تحت کنترل همیشه اولویت داشته است که فراتر و موثرتر از سیاست‌های محدود کننده و مجازات برای کسب اطاعت است. در این چارچوب، این گروه از طریق منزوی کردن فرد و جداساختن او از تاثیر و نفوذ عوامل - به‌زعم آن گروه - مزاحم از بیرون سازمان، برای تقویت ایدئولوژی خود در میان کودکان و نوجوانان استفاده کرده است. داعش با گردهم‌آوردن و جداسازی گروه‌های کودکان، به دنبال ایجاد پویایی اجتماعی از طریق رقابت، همکاری و تحرک جمعی برای انتقال ایدئولوژی به گروه‌های همسالان و ایجاد نیروهای قابل اعتماد بوده است. یکی از مواردی که موجب جذب کودکان و نوجوانان شده است، نمادهای هویتی آن گروه از جمله تسلیحات، یونیفورم و هدایا است که جای انگیزه‌های مالی را برای آنان می‌گرفت (Anderson, 2016: 12). واقعیت آن است که بسیاری از افراد با عضویت در چنین گروه‌هایی، برای نخستین بار «احساس مهم‌شدن می‌کنند و ... می‌بینند آنچه انجام می‌دهند با اهمیت تلقی می‌شود» (اقبال، ۱۳۹۷: ۲۶۵). یک نوجوان ۱۷ ساله در مصاحبه با دیده‌بان حقوق بشر، به آرزو و اهدافش از پیوستن به گروه همتایان عضو داعش و سودبردن از موفقیت‌های آن گروه اشاره می‌کند و می‌گوید: «زمانی که داعش به شهر ما آمد، من از لباس‌های شان خوشم آمد، آنان مانند یک گروه بودند، سلاح‌های زیادی داشتند. در نتیجه، با آنان صحبت کردم و تصمیم گرفتم به اردوگاه آموزشی آنان در حلب بروم» (Motaparthi, 2014: 21). در نتیجه، داعش از طریق ارائه تصویری جذاب از جهاد برای کودکان و نوجوانان در مناطق تحت قلمروی آن گروه و القای نوعی احساس هویت جمعی باعث تحریک حس حسادت در کودکان و نوجوانانی می‌شد که عضو آن گروه نبودند. بنابراین آنان نیز تشویق می‌شدند که به این گروه بپیوندند و به عنوان مروج و مبلغ عمل کنند.

ت - الگوی نقش مثبت فقدان / جایگزینی:^۱ ایدئولوژی داعش و استراتژی تعلیمی آن گروه صرفاً به عادی‌سازی خشونت در یک گروه اجتماعی و در سطح ملی محدود نمی‌شد، بلکه بر مشکلات اقتصادی و عاطفی پس از دست دادن عزیزان و خویشاوندان نیز تأکید داشت. کافی است بدانیم که با آمار بالای کشته‌شدن بیش از نیم میلیون سوری، از جمله ۴۱۶۶ شهروند غیرنظامی، تنها در سال ۲۰۱۸ میلادی (I AM SYRIA, 2018)، داعش به میل انتقام‌جویی کودکان و نوجوانانی که والدین‌شان را از دست داده‌اند و به دنبال یافتن جایگزینی برای پدر و مادر و درآمد خانوادگی هستند پاسخ داد. داعش در این زمینه به آنان وعده می‌داد اگر خواستار تبدیل شدن به رزمندگانی قوی هستند، این گروه می‌تواند مسیر را برای آنان هموار ساخته و از آنان حمایت کند (Ahram, 2015: 57-78) و در عمل خود را به صورت خانواده جایگزین آنان درآورد (رک: اقبال، ۱۳۹۷: ۲۶۶). در نتیجه برای گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر به خصوص برای کودکان و نوجوانان، دستیابی به منابع آن گروه برای خلاص شدن از کمبودهای مالی و عاطفی و ایفای نقش به عنوان فردی قدرتمند جذاب بوده است (McCue, 2017: 23). دیده‌بان حقوق بشر در مارس ۲۰۱۴، مصاحبه‌هایی را با کمک یک مشاور روان‌درمان‌گر در کلینیکی در کیلیس (یکی از شهرهای ترکیه هم‌مرز با سوریه) انجام داده بود تا انگیزه نوجوانان جنگجویی را که به گردان‌های التوحید از گروه‌های شبه‌نظامی بنیادگرا در حلب پیوسته بودند دریابد. این روان‌درمان‌گر می‌گوید یک نوجوان ۱۵ ساله بدو گفته بود به آن گروه پیوسته تا از وضعیت بسیار دشوار مالی نجات پیدا کند؛ چرا که پدرش کشته شده بود و هیچ‌کسی در خانواده برای مراقبت از او و سایر اعضا حضور نداشت (Motaparthi, 2014: 16).

ث - افراد بزرگسال قابل اعتماد و اثرگذار:^۲ طبق گزارش‌های بسیاری، تعداد قابل توجهی از کودکان به صورت داوطلبانه به عضویت داعش درآمده‌اند، اما واحد خانواده در این بین کماکان اثرگذار، پرنفوذ و نقش‌آفرین بوده است. اگرچه داعش به طور عام از معلمان خواسته بود موانع پذیرش ایدئولوژی اسلامی توسط کودکان را از

1. Loss/ Replacement of Positive Role Model (s)
2. Trusted Adult Influencers

میان بردارند، به‌طور خاص متکی به نقش آفرینی والدین بوده است. بنابراین، فرایند افراطی شدن فرد از طریق حوزه‌های خصوصی و عمومی بویژه از طریق خانواده و یا پیوندهای خویشاوندی صورت می‌گیرد. در واقع، این گروه با بهره‌گیری از الگوی عادی‌سازی شرایط توسط افراد مورد احترام و قابل اعتماد خانواده چنین نقشی را به معلمان در مدارس هم انتقال داده بود تا کودک با درونی‌شدن حس اعتماد نسبت به معلم خود بدون هرگونه قدرت انتقاد و تجزیه و تحلیل اطلاعات، مطالب ارائه شده از سوی معلم را بپذیرند (Benotman & Malik, 2016: 33). همچنین برای کسب اطمینان از اینکه معلمان تنها دروس مدنظر داعش را آموزش می‌دهند، آنان تحت بازآموزی توسط گردان‌های نظامی قرار می‌گرفتند و تهدید شده بودند که در صورت تخلفی از قوانین آموزشی با اعدام مواجه خواهند شد (Mark, 2016).

نتیجه‌گیری

هدف مقاله، مطالعه تلاش داعش برای رسیدن به نظم سیاسی و اجتماعی جدید و در این مسیر، شناسایی برنامه‌ها و روش‌های این گروه بوده است. در واقع داعش با اشغال بخش‌هایی از دو کشور سوریه و عراق از موقعیت منحصر به فردی برای تحقق اهدافش به‌خصوص در زمینه تاسیس یک جامعه مذهبی آرمانی برخوردار شد و چنان‌که انتظار می‌رفت به سرعت تدوین منابع درسی جدید برای کودکان و نوجوانان را جدی گرفت.

آنچه از بررسی این منابع می‌توان دریافت آن است که الگوی انسان آرمانی مدنظر آن گروه، بایستی از شخصیت‌های صدر اسلام باشد؛ چه زنان که کار اصلی‌شان خانه‌داری و نگهداری از فرزندان است و چه مردان که وظیفه اصلی‌شان جهاد در راه خلافت است. همچنین از بررسی محتوای چنین منابعی مشخص می‌شود که داعش نه تنها مخالف علوم غربی است، بلکه اصولاً با کلیت علم میانه‌ای ندارد جز علوم‌ی مانند کشاورزی و پزشکی که برای زندگی اولیه انسان‌ها ضروری قلمداد می‌شود. از نگاه ایدئولوژیک داعش آن‌چه اولویت دارد، شریعت است و انسان آرمانی داعشی بایستی ایمان و عمل در راه آن را مقدم بر هر چیزی از جمله علم بداند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت پروژه داعش ایجاد یک خانواده مذهبی بزرگ بوده که از اعضایش می‌خواهد برای رسیدن به

آرمانشهر مدنظر تلاش کرده و از آن مهمتر به عوامل فعال در تحقق سرنوشتی موعود تبدیل شوند.

ارجاع و تمرکز داعش بر متفکرانی چون «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» نشان‌گر آن است که این گروه آبخخور نظری مشابهی با دیگر گروه‌های سلفی - تکفیری همچون القاعده دارد. با این حال، آنچه داعش را در این عرصه متمایز ساخته، چارچوب‌بندی سیستماتیک و فعال‌سازی اجزای مختلف سازمانی و مدیریتی در قالب دستگاه‌های ایدئولوژیک برای به رسیدن به اهداف جهادی است و در این باره برنامه‌ریزی برای تعلیم و تربیت نسل جهادی بعدی با هدف کمک به بقای سازمانی‌اش نیز اهمیت مضاعفی پیدا کرده است. به عبارت دیگر، این گروه که درصدد تثبیت موقعیت خود به عنوان رهبر جهاد جهانی و راه‌اندازی نظام آرمانی اهل سنت (خلافت) بود، می‌کوشید از طریق تعلیم و تربیت سیستماتیک، استفاده از نیازهای گوناگون مردم و در نتیجه عضوگیری شهروندان بالغ و کودک بر تعداد نیروهای وفادار خود بیفزاید و زمینه را برای تحقق جامعه مورد نظرش تسهیل کند.


اگرچه دوره تسلط داعش بر مناطقی از عراق و سوریه کوتاه‌مدت بوده است، ادعاها و اقدامات آن درس‌های زیادی در زمینه تلاش نسل جدید اسلام‌گرایان رادیکال برای تحقق یک وضعیت آرمانی و استفاده از شیوه‌های تربیتی در اختیار قرار می‌دهد که در این مقاله تلاش شد از مفهوم آلتوسری «دستگاه ایدئولوژیک دولت» برای توضیح آن استفاده شود. در این چارچوب، ماهیت گروه‌هایی چون داعش و بررسی فعالیت آنها نشان می‌دهد در محیط‌های توسعه‌نیافته‌ای که بستر ظهور گروه‌های سلفی - تکفیری هستند، دستگاه ایدئولوژیک مسلط، مدرسه - مسجد است و مسجد افزون بر کارکرد دینی و برگزاری مراسم عبادی، محل آموزش فنون جنگی و جامعه‌پذیر کردن کودکان و بزرگسالان است، چنانکه مدرسه نیز وظیفه تربیت نسل جدید جهادگرایان را برعهده دارد. از این رو، الگوی گروه داعش تاحدودی مشابه دوران پیشاسرمایه‌داری در اروپا (مدرسه - کلیسا) به نظر می‌رسد، هرچند این گروه - همزمان - از بازسازی نقش خانواده غافل نبوده است. همچنین بایستی توجه کرد داعش همواره به نحو گسترده‌ای از روش‌ها و ابزارهای مدرن برای بیان و پیشبرد اهدافش استفاده کرده و برنامه‌ها و اقداماتش به نحو شگفت‌آوری مشابه ایدئولوژی‌هایی چون فاشیسم و مارکسیسم است.

بنابراین، تلقی داعش به عنوان نماد سنت یا واکنشی سنت‌گرایانه به تحولات منطقه و جهان نه با ماهیت مدرن این گروه همخوان است و نه می‌تواند برداشتی واقعی از سازماندهی و فعالیت‌های آن در جهت خلق دنیایی جدید بدست دهد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Seyed Abdolamir Nabavi 

Nojhan Etezadosaltaneh 

منابع

- آلتوسر، لویی، (۱۳۸۷)، *ایدئولوژی و ساز و برگ‌های ایدئولوژیک دولت*، ترجمه روزبه صدرآرا، تهران: چشمه.
- اسدی، عباس و مجیدی، مصطفی، (۱۳۹۷)، «تحلیل گفتمان حاکم بر ساختار تبلیغاتی داعش (مورد مطالعه: مجله دابق)»، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، بهار، شماره ۲۴.
- اقبال، حدیث، (۱۳۹۷)، «تبیین خاستگاه‌های شناختی و ترسیم مدل ذهنی گروه تروریستی داعش»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، بهار، شماره ۵۴.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۳)، «مارکسیسم ساختگرا: لوئی آلتوسر»، *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، خرداد و تیر، شماره ۸۱ و ۸۲.
- پورسعید، فرزاد، (۱۳۹۶)، «ضد تروریسم نوین»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پاییز، شماره ۷۷.
- راش، مایکل، (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- شاهقلیان، رضا و رستمی، علی‌اکبر، (۱۳۹۵)، «تبیین زیرساختارهای ایدئولوژیک و ساختاری گروه تکفیری-تروریستی داعش»، *فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی*، پاییز، شماره ۸۳.
- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۸)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی.

- عرفان منش، ایمان و صادقی فسایی، سهیلا، (۱۳۹۵)، «بازنمایی و تحلیل گفتمان انتقادی- لاکانی الگوی خانواده داعش در فضای مجازی»، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، پاییز، شماره ۳۵.
- فرتر، لوک، (۱۳۸۷)، *لویی آلتوسر*، ترجمه امیر احمدی آریان، تهران: نشر مرکز.
- کیوان حسینی، سید اصغر و محمدی کیا، طیبه، (۱۳۹۶)، «مفهوم دولت در گفتمان داعش»، فصلنامه دولت پژوهی، بهار، شماره ۹.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مک دائل، دایان، (۱۳۸۰)، *مقدمه بر نظریه‌های گفتمان*، ترجمه علی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- مفیدی صباح و رحمانی، سمیه، (۱۳۹۷)، «داعش و مدرنیته، بررسی تاثیر عملکرد دولت شبه‌مدرن خاورمیانه‌ای»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، بهار، شماره ۵۰.
- مشاور، زیبا، (۱۳۸۳)، «جهانی شدن، تاثیر متقابل و استقلال دولت» در *دولت و تحول جهانی: اقتصاد سیاسی گذار در خاورمیانه*، به کوشش حسن حکیمیان و زیبا مشاور، تهران: کویر.
- نساج، حمید، عبدی‌پور، نصیبه و جمشیدی‌مهر، پرویز، (۱۳۹۶)، «علل ظهور و تکوین گروه‌های تکفیری در جهان اسلام»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، زمستان، شماره ۵۳.

References

- Ahram, Ariel, (2015), "Sexual Violence and the Making of ISIS", *Survival*, Vol. 57, No. 3.
- Al-Bayan Center for Planning and Studies, (2016), *The Cubs of the Caliphate: How the Islamic State Attracts, Coerces and Indoctrinates Children to Its Cause*, Baghdad.
- Al-Tamimi, Aymenn, (2013), "The Islamic State of Iraq and ash-Sham Expands into Rural Northern Syria," *Syria Comment Blog*, July 18; at: <http://www.aymennjawad.org/13562/rural-northern-syria>.
- Al-Tamimi, Aymenn, (2014 a), "Butchers: Syria's ISIS Crucifying Opponents, Justifying Horror with Quran Passages", *PJ Media*, March 27; at: <http://www.aymennjawad.org/14852/isis-use-of-hudud-punishments>.
- Al-Tamimi, Aymenn, (2014 b), "Lessons in Islamic Learning in the Islamic State of Iraq and ash-Sham's Stronghold of Jarabulus",

Pundicity Blog, March 20: at: [http:// www. Aymennjawad. Org/2014/02/lessons-in-islamic-learning-in-the-islamic-state](http://www.Aymennjawad.Org/2014/02/lessons-in-islamic-learning-in-the-islamic-state).

- Al-Tamimi, Aymenn (2015), “The Evolution in Islamic State Administration: The Documentary Evidence”, *Terrorism Research Initiative*, Vol. 9, No. 4.
- Al-Tamimi, Aymenn, (2016), “Islamic State Treatise on the Syrian Education System,” at: <http://www.aymennjawad.org/18600/islamic-state-treatise-on-the-syrian-education>.
- Anderson, Kara, (2016), *Cubs of the Caliphate*”, *The Systematic Recruitment, Training, and Use of Children in the Islamic State*, Herzliya: International Institute for Counter-Terrorism, January.
- Benotman, Noman and Malik, Nikita (2016), *The Children of Islamic State*, London: Quilliam Foundation.
- Berti, Benedetta and Osete, Axel, (2015), “Generation War: Syria’s Children Caught Between Internal Conflict and the Rise of the Islamic State”, *Strategic Assessment*, Vol. 18, No. 2.
- Bunzel, Cole, (2015), “From Paper State to Caliphate: The Ideology of the Islamic State”, *The Brookings Project on US Relations with the Islamic World*, No.19, March.
- Caris, Charles and Reynolds, Samuel, (2014), “ISIS Governance in Syria”, Institute for the Study of War, July.
- Gramer, Robbie, (2017), “J Is for Jihad: How the Islamic State Indoctrinates Children with Math, Grammar, Tanks, and Guns”, *Foreign Policy*, 16 February, at: [https:// foreignpolicy. Com/ 2017/ 02/16/j-is-for-jihad-how-isis-indoctrinates-kids-with-math-grammar-tanks-and-guns](https://foreignpolicy.com/2017/02/16/j-is-for-jihad-how-isis-indoctrinates-kids-with-math-grammar-tanks-and-guns).
- Gray, John, (2014), *A Point of View: Isis and what it Means to be Modern*, London: BBC, at: <https://www.bbc.com/news/magazine-28246732>.
- Horgan, John; Taylor, Max Bloom, Mia and Winter, Charlie, (2017), “From Cubs to Lions: A Six Stage Model of Child Socialization into the Islamic State”, *Studies in Conflict & Terrorism*, 40: 7.
- I AM SYRIA, (2018), *Death Tolls*, June, at: <http://www.iamsyria.org/death-tolls.html>.
- Islamic State (2013), “Messages from the Land of Epic Battles”,

Jihadology, 6 September.

- ISIS Wilayat Raqqah, (2013), hosted at *The Middle East Media Research Institute*, at: December 13, [http:// www. memri. org/ image/ 18053.jpg](http://www.memri.org/image/18053.jpg).
- KarshT Efraim and Routsy, Inari, (1991), *Saddam Hussein, A Political Biography*, New York: Free Press.
- Kirkpatrick, David D, (2014), "ISIS' Harsh Brand of Islam Is Rooted in Austere Saudi Creed", *New York Times*, September 24, at: https://www.nytimes.com/2014/09/25/world/middleeast/isis-abu-bakr-baghdadi-caliph-wahhabi.html?_r=1.
- Mark, Michelle, (2016), "Islamic State Executes Mosul Teachers: ISIS Punishes Educators for Protesting Sharia Curriculum", *International Business Times*, 1 July.
- McCue, Colleen, (2017), "The Islamic State Long Game: A Tripartite Analysis of Youth Radicalization and Indoctrination", *CTC Sentinel*, Vol. 10, No. 8.
- Motaparthi, Priyanka, (2014), "Maybe We Live and Maybe We Die": Recruitment and Use of Children by Armed Groups in Syria", *Human Rights Watch*, June.
- NCTV and AVID, (2017), "The Children of ISIS: The Indoctrination of Minors in ISIS-Held Territory", The Hague: National Coordinator for Security and Counterterrorism (NCTV) and General Intelligence and Security Service (AVID), Ministry of the Interior and Kingdom Relations, Government of the Netherlands, 26 April, at: [https:// english. Aivd. NI/ publications/ publications/2017/04/26/he-children-of-isis-the-indoctrination-of-minors-in-isis-held-territory](https://english.aivd.nl/publications/publications/2017/04/26/he-children-of-isis-the-indoctrination-of-minors-in-isis-held-territory).
- Niqash, (2015), "How to Be a Good Little Jihadi: Extremists Release New School Textbooks, Curriculum in Mosul, Briefings from Inside and Across Iraq", Reprinted in the *Daily Beast*, "Back to School in Mosul: The ISIS Curriculum", at: [http:// www. Thedailybeast. Com/ articles/2015/10/29/back-to-school-in-mosul-the-isis-curriculum.html](http://www.thedailybeast.com/articles/2015/10/29/back-to-school-in-mosul-the-isis-curriculum.html).
- Olidort, Jacob, (2016), "Inside the Caliphate's Classroom", *The Washington Institute for Near East Policy*, August.
- Singer, Peter, (2006), *Children at War*, Berkeley: University of California Press.

- Site Intelligence Group, (2016), "IS Develops Interactive App for Children to Learn Supplications, Destroy Aircraft and Coalition Flags", June 21, at: [https:// ent. Siteintelgroup. Com/Multimedia/is-develops-interactive-app-for-children-to-learnsupplications-destroy-aircraft-and-coalition-flags.html](https://ent.siteintelgroup.com/multimedia/is-develops-interactive-app-for-children-to-learnsupplications-destroy-aircraft-and-coalition-flags.html).
- Spencer, Amanda, (2016), "The Hidden Face of Terrorism: An Analysis of the Women in Islamic State", *Journal of Strategic Securiry*, Vol. 9, No. 3.
- Tibi, Bassam, (1993), *The Challenge of Fundamentalism, Political Islam and the New World Disorder*, Berkeley: University of California Press.
- Tony Blair Faith Foundation, (2015), "Textbooks of Terror", November, at: [http:// tony blairfaithfoundation. org/religion-geopolitics/reports analysis/briefing-note/textbooks-terror-isis-releases-its-curriculum](http://tonyblairfaithfoundation.org/religion-geopolitics/reports-analysis/briefing-note/textbooks-terror-isis-releases-its-curriculum).
- Vale, Gina, (2018), *Cubs in the Lions Den*, London: ICSR.
- Wilayat Latakia Twitter Post, (2013), November 25, at: <http://justpaste.it/gfei>.
- Winter, Charlie, (2015), "Women of the Islamic State: A manifesto on Women by the Al-Khansaa Brigade", *Quilliam Report*.